

## ارزیابی استراتژی رفتار ویژه و متفاوت در قبال کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی و در حال توسعه در سازمان جهانی تجارت

محمود باقری\*

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمدتقی رضائی

دانش آموخته دکتری حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۱۰/۲۸)

### چکیده

کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی و در حال توسعه بیش از دو سوم از اعضای سازمان جهانی تجارت را تشکیل می دهند که سطح توسعه، نیازهای اساسی و دغدغه های آنها متفاوت و نظام اقتصادی آنها اغلب ضعیف و شکننده و نیازمند حمایت بیشتر است. موافقتنامه های سازمان جهانی تجارت حقوقی ویژه را به این دسته اعطا می کند که عمدتاً شامل اعطای فرصت های بیشتر برای اجرای تعهدات، تسهیل و افزایش فرصت های تجاری و برخی کمک های فنی است. سیاست رفتار ویژه و متفاوت از لحاظ نظری رویکردی درست و شایسته برای ادغام اعضای سازمان جهانی تجارت در یک نظام یکپارچه و افزایش تعامل میان آنهاست اما تجربیات بیش از یک دهه نشان می دهد که مشکلات بسیار در راه اجرای این سیاست وجود دارد. این مقررات دقیق نیست و قابل عدول است و لذا باید ابهامات آنها برطرف و بسترهای اجرای دقیق آنها فراهم شود.

### واژگان کلیدی:

رفتار ویژه و متفاوت، کشورهای با کمترین توسعه یافتگی، کشورهای در حال توسعه، سازمان جهانی تجارت.

Email: mahbagheri@ut.ac.ir

فکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

\* مسئول مقاله

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر شده از این نویسنده در همین مجله، به صفحه پایانی این مقاله نگاه کنید.

**مقدمه**

با صدور سند نهایی دور اروگوئه (final act of the Uruguay round) در پایان مذاکرات طولانی، پراثری و طاقت فرسا که به زعم برخی، بزرگ ترین مذاکره تاریخ جهان محسوب می شود (WTO, 2007, p:20) بالاخره در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ تمام وزرای ۱۲۳ کشور شرکت کننده در اجلاس مراکش توافق حاصله را امضاء کردند و سازمان جهانی تجارت تشکیل شد. سند نهایی دور اروگوئه نتیجه یکی از مجادله برانگیزترین ادوار مذاکراتی گات برای حذف موانع تجاری بود که قلمروهای جدید چون تجارت خدمات، جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری، کشاورزی، منسوجات و پوشاک و ضوابط تجاری سرمایه گذاری را نیز در بر می گیرد (wto, 2007, p:25). یکی از جنبه های بارز مذاکرات دور اروگوئه توجه بیشتر به کشورهای در حال توسعه بود. در دوره های مذاکرات تجاری که پیش از دور اروگوئه برگزار شدند نقش کشورهای در حال توسعه و توجه به مسائل آنها محدود بود. عدم معامله به مثل، رفتار ترجیحی در مورد صادرات این کشورها و وجود فضایی وسیع تر برای سیاست های تجاری آنها، عناصر اصلی رفتار ویژه و متفاوت نسبت به آنها بود. در عین حال کشورهای در حال توسعه مشارکتی فعال در مذاکرات آزاد سازی تجاری یعنی هسته اصلی دوره های مرتبط با موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) نداشتند. این وضعیت تا حدی در خلال دور اروگوئه تغییر یافت و در آن موضوع دسترسی به بازار برای محصولات صادراتی از کشورهای در حال توسعه و برای صادرات خدمات از کشورهای توسعه یافته به بازارهای جنوب مورد بررسی قرار گرفت (دیجک و فی، ۱۳۸۶، ص ۱۹). در واقع مذاکره کنندگان دور اروگوئه به این باور درست رسیدند که ساماندهی مناسب نظام تجارت جهانی بدون در نظر گرفتن نقش کشورهای کم توسعه یافته و در حال توسعه ناممکن است و لذا تلاش کردند با وضع مقرراتی در مجموعه حقوق و تعهدات این سازمان امتیازاتی در مورد این گروه از کشورها لحاظ کنند تا ضمن دلگرمی آنها بسترهای مشارکت فعال و عملی آنها را در این نظام تجاری نوپا فراهم کنند. بدین ترتیب، رفتار متفاوت و ویژه با کشورهای کم توسعه یافته و در حال توسعه به عنوان یکی از اصول اساسی سازمان جهانی تجارت به رسمیت شناخته شد.

**علل تبیین اصل رفتار ویژه و متفاوت****توسعه متفاوت و نامتعادل کشورها**

جهان امروز جهان گوناگونی ها و تفاوتهاست. هر یک از کشورهای جهان به لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متفاوت از دیگری است. یکی از ویژگی ها و واقعیت های جهان معاصر تفاوت کشورهای جهان از نظر سطح توسعه است؛ به طوری که در فرهنگ روابط

بین‌الملل برخی کشورهای جهان به کشورهای توسعه یافته (Developed countries) شهرت دارند که تعداد آنها اندک است، برخی به کشورهای در حال توسعه (Developing countries) که تعدادی بیشتر از کشورهای جهان را شامل می‌شوند و برخی به کشورهای با سطح توسعه ضعیف (Least developed countries) و حتی برخی توسعه نیافته (Non-developed countries) یا کشورهای جهان چهارم (Fourth world) موسوم شده‌اند. البته مرزبندی کاملاً دقیق و مشخص در این مورد وجود ندارد اما تقسیم کشورها به دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بیشتر متداول است. این عدم تجانس به خصوص از لحاظ اقتصادی همواره یکی از مباحث مهم و نقطه عطف مناقشات بین‌المللی به ویژه در رابطه با مسائل تجارت بین‌المللی بوده است. مثلاً جهان چهارم و کشورهای دارای کمترین سطح توسعه در طبقه بندی سازمان ملل کشورهایایی را در بر می‌گیرد که نیازمند رفتاری ویژه از لحاظ کمک و طرح‌های توسعه می‌باشند. بسیاری از مردم جهان چهارم تحت شرایطی زندگی می‌کنند که سطح درآمد شان حتی تکافوی نیازهای ضروری مانند غذا، پوشاک و سرپناه را نمی‌دهد. در بسیاری از دولتهای جهان سوم رشد مستمر و افزایش ماندگاری اقتصادی وجود دارد اما کشورهای جهان چهارم گرفتار فقرند. در سال ۱۹۸۱ کنفرانس ویژه سازمان ملل در مورد کشورهای دارای کمترین سطح توسعه وسایل رهایی از این وضعیت نامساعد را مطرح و مورد گفتگو قرار داد. مجمع عمومی سازمان ملل در دهه سوم توسعه یک استراتژی جدید توسعه بین‌المللی را پذیرفته و برنامه اساسی جدید را برای کشورهای دارای کمترین سطح توسعه تدوین کرد (پلاتو و اولتون، ۱۳۷۶، ص ۶۵).

این شکاف عمده میان کشورهای جهان باعث طرح مبحث حق توسعه در دهه‌های اخیر شده و در اوائل دهه ۱۹۷۰ مفهوم حق توسعه به مثابه یکی از موارد مهم حقوق بشر مطرح شده است. در دهه ۱۹۷۰ جامعه بین‌المللی بارها جنبه‌های گوناگون حق توسعه را بحث و بررسی کرد. قطعنامه شماره ۴ کمیسیون حقوق بشر در ۲ مارس ۱۹۷۹ صراحتاً حق توسعه را به عنوان یکی از موارد حقوق بشر به رسمیت شناخت و از دبیرکل خواست شرایط لازم را برای برخورداری مؤثر همه مردمان و همه افراد از این حق بررسی کند. متعاقباً گزارش‌های مختلف درباره بررسی حق توسعه و مباحثات مفصل در کمیسیون و مجمع عمومی به تدوین پیش نویس اعلامیه راجع به حق توسعه منتهی شد که در دسامبر ۱۹۸۶ رسماً به تصویب مجمع عمومی رسید. در سال ۱۹۹۳ نیز در وین و در کنفرانس جهانی دوم سازمان ملل درباره حقوق بشر حق توسعه به عنوان یک حق مسلم جهان شمول و جزیی لاینفک از حقوق بنیادین بشر شناخته شد (سنگویتا، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳ و ۱۸۴). آنتونیو کاسسه استاد مشهور حقوق، نام حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد را بر کتاب خود گذاشته که عنوان با مسما است. ایشان در بخشی

از این کتاب در تشریح موقعیت اقتصادی کشورهای دارای اقتصاد توسعه نیافته چند ویژگی را برای آنها بر می‌شمارد؛ از جمله آنکه فعالیت‌های اقتصادی غالباً در آنها کشاورزی است. دو بخش فعالیت‌های اقتصادی یکی پیشرفته که به صادرات توجه دارد و دیگری سنتی که به تولید نیازمندی‌های روزمره زندگی می‌پردازد در کنار هم به حیات خود ادامه می‌دهند. بیشتر اوقات هم فعالیت‌های کشاورزی و هم ساخت فرآورده‌های صنعتی به صورت نوعی تولید خانوادگی درآمده است. تجهیزات صنعتی و کشاورزی ابتدایی است و در نتیجه سطح تولید پایین است، بیکاری پنهانی رواج دارد و بالاخره میزان ذخیره سرمایه در این کشورها بسیار پایین است و جمع آوری سرمایه لازم برای دستیابی به تجهیزات صنعتی پیشرفته و به طور کلی برای وسائل تولید مجهزتر صورت نگرفته است (کاسسه، ۱۳۷۰، ص ۲۹۷). این سطوح توسعه متفاوت و نامتقارن تبیین رفتارهای متفاوت و ویژه را ایجاب و توجیه می‌کند.

### **تفاوت اساسی نیازهای کشورهای فقیر و در حال توسعه با کشورهای توسعه یافته**

شکاف فقر و ثروت در جهان امروز رو به افزایش است. در حالی که دغدغه بسیاری از مردم در کشورهای فقیر و برخی از مردم کشورهای در حال توسعه تامین نیازهای ضروری مانند غذا، پوشاک و سرپناه است اما در غالب کشورهای توسعه یافته چنین موضوعاتی پیش پا افتاده تلقی می‌شود. توجه کشورهای فقیر و در حال توسعه عمدتاً رسیدن به توسعه اقتصادی و نو سازی زیرساخت‌های اقتصادی و علمی و فنی به شکل مدرن است در حالی که در کشورهای توسعه یافته چنین تغییراتی سالها پیش اتفاق افتاده و در حال حاضر در مرحله تحولات پیشرفته تراست. در سال ۲۰۰۴ ساترلند مدیر کل سابق سازمان جهانی تجارت در راس گروهی از متخصصان و صاحب نظران برجسته از سوی سازمان مامور بررسی وضعیت موجود آن و ارائه راهکارهایی برای تقویت این نظام نوپا شدند. این گروه در پایان تحقیقات دقیق خود نتایج آن را در گزارشی تحت عنوان آینده سازمان جهانی تجارت ارائه کردند که در آن وضعیت سازمان و چالش‌های پیش روی آن به خوبی مورد نقد و بررسی قرار گرفته و پیشنهادهایی برای اصلاح این سازمان نیز داده شده است. بخشی مهم از این گزارش که بوسیله بخش انتشارات سازمان جهانی تجارت و همزمان با جشن دهمین سالگرد تأسیس آن منتشر شد به مسئله کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه و جایگاه و نقش آنها در این سازمان اختصاص یافته و در آن به درستی بر تفاوت نیازها و مصالح کشورهای عضو سازمان به عنوان یکی از معضلات اساسی تاکید کرده‌اند. در سال‌های بعد نقدهای متعدد بوسیله صاحب نظران در مورد این گزارش ارائه شده است. برنارد هوکمن یکی از صاحب نظران

سازمان جهانی تجارت مقاله‌ای در نقد گزارش ساترلند نوشته و عنوان آن را «گسترش عضویت سازمان جهانی تجارت و علائق نا متجانس» انتخاب کرده که به خوبی ناهماهنگی اعضای آن را از جنبه توسعه‌ای و نیازها و مصالح متفاوت آنها را نشان می‌دهد و بر این نکته تاکید دارد که در سازمان جهانی تجارت برای همه نمی‌توان نسخه واحد پیچید (Hoekman, 2005, p402-403). در هر حال این واقعیت را باید پذیرفت که در سازمان جهانی تجارت در حال حاضر اکثریت با کشورهای در حال توسعه است که نیازهای متفاوت دارند. در همین راستا در سال ۲۰۰۱ به دنبال اجلاس دوحه وزیران شرکت کننده در کنفرانس اعلام کردند که اکثریت اعضای سازمان جهانی تجارت کشورهای در حال توسعه هستند و ما بدنبال قرار دادن نیازها و منافع آنها در قلب برنامه کاری این دور هستیم و نام برنامه کاری خود را دستور کار توسعه دوحه (Doha Development Agenda) نهادند. لذا موضوع توسعه همواره نقشی مهم هم در گات و هم در سازمان جهانی تجارت بازی کرده است (Andrew, 2006, p:445). در نتیجه بر اساس این واقعیت که نیازهای کشورهای در حال توسعه اساساً متفاوت از نیازهای کشورهای توسعه یافته است اصل رفتار ویژه و متفاوت در سازمان جهانی تجارت یک مقداری معین از تبعیض را به نفع کشورهای در حال توسعه مجاز شناخته است (Kerry, 2006, p:27).

### ادغام کشورهای با سطح توسعه متفاوت در یک نظام تجاری واحد

ادغام کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته با توجه به تفاوت‌های مهم آنها در یک نظام تجاری واحد امری پیچیده و دشوار است. لذا کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته همواره مشتاق برقراری ارتباط سازنده و مثبت بین قواعد سازمان جهانی تجارت و اهداف توسعه‌ای بوده و هستند بطوری که به توسعه آنها کمک کند. کشورهای توسعه یافته مایل هستند هدف سازمان جهانی تجارت را صرفاً آزاد سازی تجاری قلمداد کنند اما کشورهای در حال توسعه معتقدند که هدف کلیدی این سازمان توسعه است (Debra, 2007, p:492). برای ادغام این دیدگاه‌های مختلف و گاهی متضاد تمهیداتی باید اندیشه می‌شد. برای نمونه در دور اروگوئه مقرر شد از سال ۱۹۹۵ کشورهای صنعتی پنج سال برای هماهنگ سازی مقررات خود با قوانین سازمان تجارت جهانی فرصت داشته باشند در حالی که این مهلت برای کشورهای در حال توسعه ده سال تعیین شد یعنی یک فرصت پنج ساله بیشتر به کشورهای در حال توسعه داده شد تا شرایط ادغام در نظام تجاری جدید را برای خود فراهم کنند. ولی آیا شکاف توسعه کشورهای صنعتی و در حال توسعه از نظر زمانی ۵ سال است. برای برخی از کشورهای در حال توسعه این شکاف از یک قرن هم تجاوز می‌کند. از سوی دیگر، باید اذعان داشت که نفوذ بین‌المللی کشورهای در حال توسعه در سازمان‌های

بین‌المللی قابل مقایسه با نیمه اول قرن بیستم نیست. کشورهای در حال توسعه با توجه به اکثریتی که در سازمان جهانی تجارت دارند و با هماهنگی و همکاری و افزایش توان علمی، فنی و اطلاعاتی خود می‌توانند امتیازهایی قابل توجه در صحنه تجارت جهانی کسب کنند (بیدآباد و طبری، ۱۳۸۴، سایت اینترنتی). لذا تحقق صحیح و مطلوب فرایند ادغام کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه در یک نظام تجاری واحد در قالب سازمان جهانی تجارت مستلزم رفتار متفاوت و ویژه در مورد این گروه از کشورها میباشد و این توقعی مشروع از سوی آنها برای غلبه بر نقاط ضعفی است که معلول فرصت‌های از دست رفته آنها در روند پیشرفت و توسعه اقتصادی جهان در طول قرن بیستم است. فرصتی که کشورهای توسعه یافته با تکیه بر داشته‌های پیشین خود و اتخاذ سیاست‌های کارآمد اقتصادی در سایه ثبات سیاسی باز یافته بعد از جنگ جهانی دوم به خوبی از آن بهره گرفتند و تعادل اقتصادی بین کشورهای شمال و جنوب را به نفع خود به شکلی تقریباً برگشت‌ناپذیر بر هم زدند. لذا کشورهای فقیر و در حال توسعه قدرت رقابت اقتصادی به خصوص در بخش صنعت را با کشورهای توسعه یافته ندارد اما در بعد کشاورزی شاید بتوان مختصر رقابتی را بین این دو گروه مشاهده کرد. این یکی از دلایل عدم حصول نتیجه در دور مذاکراتی دوحه است (Kerin, 2008, p:62).

### تعدیل حمایت از تولیدات داخلی

علی‌رغم آنکه حمایت از تولیدات داخلی با فلسفه تجارت آزاد که از اهداف سازمان تجارت جهانی است مغایرت دارد اما دولتها هنوز در قبال اتباع داخلی خود احساس نوعی مسئولیت می‌کنند و حمایت از اقتصاد داخلی مورد پشتیبانی اکثر کشورهاست حتی ایالات متحده آمریکا که یکی از پیروان تجارت آزاد است در موارد بحرانی سیاست حمایت از اقتصاد داخلی را با شدت اعمال کرده است مثلاً در سال ۱۹۳۰ آمریکا بدلیل آنکه تولید کنندگان آمریکایی بدلیل دستمزدهای خارجی و هزینه‌های تولید کمتر نمی‌توانستند رقابتی موفق با تولید کنندگان خارجی داشته باشند موانع تجاری بی سابقه اعمال کرد. در آن زمان کنگره آمریکا قانون تعرفه اسموت-هاولی را تصویب کرد که حصار تعرفه ای بلند را برای محافظت از بازار آمریکا در برابر رقابت خارجی ایجاد می‌کرد (Sevilla, 2007, Intrrnet site). پذیرش اصل رفتار بدون تبعیض با تولیدات داخلی و وارداتی گویی با مفهوم سنتی حاکمیت در قلمرو سرزمینی در تضاد است و ضربه‌ای شدید به گرایش حمایت از اقتصاد داخلی که مورد پشتیبانی اکثر کشورهاست محسوب می‌شود (کاسه، ۱۳۷۰، ص ۳۸۱).

علت بروز تبعیض آن است که دولتها به خصوص دولت‌های جهان سومی و در حال توسعه برای مقابله با هجوم اقتصاد بازار آزاد جهانی و در زمانی که قادر به کنترل تأثیرات آن

بر اقتصادهای ضعیف و شکننده خود نیستند راه تبعیض را چه از طریق قانونی و چه از طریق واقعی یا عملی تنها چاره کار می‌پندارند. با مخلوط کردن رویه‌های ایجاد شده در طول دوران گات و سازمان جهانی تجارت می‌توان دو نوع تبعیض قانونی (De Jure Discrimination) و تبعیض واقعی (De Facto Discrimination) را ملاحظه کرد. هنگامی که قواعد حقوقی و قانونی منشأ ایجاد تبعیض بین تبعه داخلی و خارجی می‌شوند این تبعیض قانونی است. اما هنگامی که قواعد حقوقی شرایطی مشابه را برای تبعه داخلی و خارجی انشاء می‌کنند ولی اعمال و اجرای آنها منتهی به رفتار تبعیض آمیز می‌شود این را تبعیض واقعی می‌گویند. به عبارت دیگر، قواعد قانونی بی طرف بوده ولی اجرای عملی آن منتهی به رفتار تبعیض آمیز گردیده است (فتحی زاده و بزرگی، ۱۳۸۳، ص ۲۵).

اعمال تبعیض بین اتباع داخلی و خارجی حتی گاهی بوسیله گروه کشورهای توسعه یافته در موارد ضروری اعمال می‌شود. مثلاً ایالات متحده امریکا پذیرش عضویت در سازمان جهانی تجارت را هنگام طرح و تصویب در کنگره امریکا که با حضور بیل کلینتون، جورج بوش و جیمی کارتر برگزار شد منوط و تحت الشعاع قانون سوپر ۳۰۱ کرد که این اجازه را به دولت مزبور می‌دهد که در مواقع ضروری اعلام جنگ تجاری کرده و مقررات آن را اجرا کند که البته با اساسنامه و مقررات سازمان جهانی تجارت مغایر است. تازه ترین موضوع مورد استناد تحت این عنوان وضع مالیات ۳۰ درصدی بر واردات فولاد به ایالات متحده امریکا بوسیله رئیس جمهور کشور مزبور است که واکنش شدید کشورهای صنعتی و سایر کشورها را به همراه داشت (ایروانی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳). بدیهی است وضع چنین مالیاتی برای واردات فولاد و عدم وضع آن برای فولاد تولیدی در داخل ایالات متحده نوعی تبعیض قانونی و عدول از اصل عدم تبعیض است. اما این حمایت گرایی از زمان تأسیس سازمان جهانی تجارت کنترل و تعدیل شده و قواعد این سازمان تأثیر فرایندهای بر وضعیت جهانی بخصوص روند جهانی شدن و همچنین بر نظام‌های داخلی کشورها گذاشته است (Button, 2006, p:297). پاسکال لامی مدیر کل فعلی سازمان جهانی تجارت فلسفه اصلی آزاد سازی‌های تجاری را ارتقاء رشد و توسعه اقتصادی کشورها از طریق آزاد سازی بازارها، کاهش حمایت گرایی و تصحیح انحرافات تجاری و اقتصادی و درک درست این رابطه بوسیله آنها می‌داند. موضوع حمایت گرایی همواره از مباحث مطروحه در نشست‌های وزیران سازمان جهانی تجارت بوده و هست و اخیراً نیز در اعلامیه‌های دوحه سیاست‌های حمایت گرایانه نفی شده است (دیجک و فی، ۱۳۸۶، ص ۱۸). سیاست حمایت گرانه کشورهای در حال توسعه بیشتر متأثر از وضعیت اقتصادی آنهاست. اقتصادهای شکننده این گونه کشورها غالباً بدون اتخاذ سیاست حمایتی از سوی دولتهایشان تاب مقابله با هجوم ناشی از آزاد سازی تجاری را ندارد؛ لذا در سازمان

جهانی تجارت علی رغم نفی اصولی سیاست حمایت گرایانه اعطای امتیازاتی در این زمینه به کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه لازم تشخیص داده شده است.

### مقررات مربوط به رفتار ویژه و متفاوت

با توجه به تفاوت های کشورهای مختلف عضو سازمان جهانی تجارت و این نکته که بیش از دو سوم اعضای این سازمان کشورهای در حال توسعه می باشند تعجب آور نیست که توجه به نیازها و ملاحظات توسعه ای آنها از جایگاهی ویژه در تدوین و اجرای مقررات سازمان جهانی تجارت برخوردار باشد. آن دسته از مقررات مربوط به توسعه و یا مفاد موسوم به رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه که در طول چند دهه قبل از تأسیس سازمان جهانی تجارت شکل یافته بودند از طریق موافقتنامه گات ۱۹۹۴ که شامل گات ۱۹۴۷ و یک رشته تفاهم نامه ها و اصلاحیه های جدید است به سازمان جهانی تجارت منتقل شده است. در عین حال، دیگر موافقتنامه های متشکله سازمان جهانی تجارت نیز هر یک رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه را به اشکال مختلف پیش بینی کرده اند (دفتر نمایندگی تام الاختیار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، سایت اینترنتی).

تبعیض ناشی از رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه در سازمان جهانی تجارت به دو شکل ملاحظه می شود؛ یکی حقوق و تعهدات متفاوت که به وسیله خود موافقتنامه ها مقرر شده اند و دوم رفتار متفاوت اعطا شده به کشورهای در حال توسعه بوسیله سایر اعضا. نمونه شکل اول مقررات سازمان در مورد تأخیر زمان اجرای تعهداتی خاص برای کشورهای در حال توسعه است که نسبت به کشورهای توسعه یافته فرصتی طولانی تر برای اجرای این گونه تعهدات به آنها داده شده است. نمونه شکل دوم رفتار تعرفه ای ترجیحی اعطایی از سوی یک کشور توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه است. هر دو شکل مزبور ناشی از این اعتقاد است که نیازهای تجاری کشورهای در حال توسعه اساساً با نیازهای کشورهای توسعه یافته متفاوت است و لذا بر این دو دسته از کشورها نباید قواعد تجاری یکسان اعمال شود (Andrew, 2006, p:446). مثلاً در موافقتنامه کشاورزی که جزء ضمیمه شماره یک موافقتنامه تأسیس سازمان است ماده ۱۵ تحت همین عنوان رفتار ویژه و متفاوت به این موضوع اختصاص یافته و مقرر می دارد:

۱. همگام با تأیید این که رفتار متفاوت و مساعدتر در قبال کشورهای در حال توسعه عضو جز لاینفک مذاکرات است، رفتاری ویژه و متفاوت در خصوص تعهدات به نحوی که در مقررات مربوطه این موافقت نامه تعیین شده و در جدول امتیازات و تعهدات درج گردیده است در پیش گرفته خواهد شد.



۲. کشورهای در حال توسعه عضو مجاز خواهند بود تعهدات مربوط به کاهش را در طول دوره‌ای حداکثر ۱۰ ساله به مرحله اجرا بگذارند. کشورهای عضو با کمترین درجه توسعه یافتگی الزامی نخواهند داشت که تعهدات مربوط به کاهش را به عهده بگیرند.

همچنین در ماده ۱۶ تحت عنوان کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی و کشورهای در حال توسعه وارد کننده مواد غذایی نیز مقرراتی مشابه وضع شده است. به طور کلی، تصمیم وزیران در پایان دور اروگوئه بر این قرار گرفت که کشورهای غنی تر باید در اجرای تعهدات خود مبنی بر دستیابی به بازار کالاهایی که از کشورهای با حداقل توسعه یافتگی صادر می‌شود سرعت بخشند و به موجب این تصمیم باید کمک فنی بیشتر را برای آنان فراهم آورند. اخیراً کشورهای توسعه یافته به این مسئله جامه عمل پوشانده و تقریباً برای تمامی کالاهای وارداتی از کشورهای با حداقل توسعه یافتگی بدون وضع حقوق گمرکی و سهمیه وارداتی اجازه ورود می‌دهند (WTO, 2007, p:15). به طور کلی، مقررات راجع به رفتار متفاوت و ویژه در سه بخش ملاحظه می‌شوند: بخشی ناظر بر تسهیل تجارت کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته است که شامل اقدامات یکجانبه کشورهای توسعه یافته در اعطای رفتار ترجیحی به کشورهای در حال توسعه در قالب نظام عمومیت یافته ترجیحات به استناد شرط توانا سازی مصوب ۱۹۷۹، ترجیحات تجاری به کشورهای حوزه‌های جغرافیایی خاص به استناد معافیت های موقت از ماده یک گات ۱۹۹۴ اصل دولت کامله الوداد، حذف کامل عوارض گمرکی کالاهای صادراتی کشورهای با کمترین توسعه یافتگی بوسیله کشورهای توسعه یافته، توجه بیشتر به آزادسازی تجاری کالاهای مورد علاقه صادراتی کشورهای در حال توسعه به استناد فصل چهار گات و مواردی مانند اینها می‌شوند. کلا نظام عمومی ترجیحات (General system of preferences) که از سال‌های اولیه تشکیل گات مورد توجه بوده بر این رویکرد استوار است که رفتار ویژه و متفاوت باید بر مبنای غیر متقابل اعطا شود که منعکس کننده این فرض است که رفتار برابر با نابرابرها تنها سبب تشدید نابرابری می‌شود (فرانسوا، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲). بخش دوم انعطاف بیشتر برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته در پذیرش تعهدات است. این دسته از مقررات شامل انعطاف در حمایت از صنایع جدید و اقدامات محدود کننده در زمان بروز مشکل تراز پرداختها، معافیت از برخی مقررات خاص در چارچوب گات ۱۹۹۴ و دیگر موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت، مهلت طولانی تر برای اجرای تعهدات و معافیت های گسترده تر برای کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی می‌شود. در واقع بر این اساس تغییرات به تدریج و بطور مستمر اعمال می‌شود و کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته فرصت بیشتر برای اجرای تعهداتشان دارند (WTO, 2008, p:15). بالاخره بخش سوم شامل ارائه کمک های فنی به کشورهای در حال توسعه

و کمتر توسعه یافته می‌شود که این‌گونه کمکها به منظور ایجاد ظرفیت های تخصصی، سازمانی و حقوقی لازم برای همگرایی بیشتر کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته در این نظام تجاری چند جانبه در موافقتنامه‌های مختلف سازمان جهانی تجارت پیش بینی شده است. شاید با چنین کمک هایی همه کشورها بتوانند مزیت نسبی خود را کشف کرده و از آن استفاده کنند و سپس مقدرات اقتصادی خود را با اتخاذ سیاست های مورد نظرشان رقم بزنند (Ethan,2007,p:123).

### – ایرادات وارده بر اصل رفتار متفاوت و ویژه

#### – ابهام حقوقی و دشواری اجرایی

اولاً، محتوای این اصل مبهم است. اگر چه برخی از مقررات مربوط به این اصل به طور مفصل تبیین شده‌اند اما بسیاری از آنها مبهم و غیر مشخص هستند. ثانیاً، تفاوت نیازهای کشورهای در حال توسعه در موقعیت های متفاوت و در مراحل مختلف توسعه استفاده از یک اصل کلی یعنی رفتار متفاوت و ویژه را محدود می‌سازد. ثالثاً، در جریان تفسیر موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت این اصل غالباً در حل این مسئله که یک قاعده کجا با منافع کشورهای در حال توسعه مغایر است ناتوان می‌باشد. رابعاً، این واقعیت که اصل رفتار ویژه و متفاوت انحرافی موقت از اصل کلیدی عدم تبعیض است بدین معنی است که این دو اصل باید به دقت به حالت تعادل درآورده شوند (Andrew,2006,p:469) که این امری مشکل است و به سختی می‌توان با توجه به وضعیت متفاوت کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی نسخه ای واحد برای همگان پیچید و لذا اجرای صحیح و دقیق و عادلانه این اصل در پس پرده معاملات و مواضع سیاسی متفاوت امری به غایت دشوار است. از دیگر ایرادات اصل رفتار متفاوت و ویژه این است که ضمانت اجرای حقوقی ندارد یعنی کشورهای صنعتی را مکلف نمی‌کند چنین رفتاری را درباره کشورهای در حال توسعه اعمال کنند؛ اما اصل مزبور یکی از موانع اصلی که طبق دیدگاه کشورهای پیشرفته بر سر راه اعطای معافیت‌های گمرکی به کشورهای جهان سوم وجود داشت یعنی تعهد محترم شمردن قید ملت کامله الوداد مورد قبول گات را از میان بر می‌دارد. در نتیجه، معافیت گمرکی اعطا شده به کشورهای در حال توسعه یک استثنای موقتی و متعرض به برابری رفتار ایجاد شده از ناحیه گات نیست بلکه یک قاعده رفتاری است که در روابط تجاری بین‌المللی پذیرفته شده است. از این حیث این شرط پاسخگوی یکی از مسائل اساسی کشورهای در حال توسعه است که موفق شده‌اند یکی از قدیمی ترین خواسته‌های خود را در سطح بین‌المللی به کرسی بنشانند (کاسسه، ۱۳۷۶، ص ۳۸۴).

ساترلند مدیر کل سابق گات و سازمان جهانی تجارت و همکارانش در گروه مشورتی سازمان جهانی تجارت معتقدند در زمانی که در مراکش گات در حال تبدیل شدن به سازمان جهانی تجارت بود اصل عدم تبعیض به شکل جدی ضربه خورد. در حالی که ماده ۲۴ گات به عنوان استثنای اصل رفتار کامله الوداد در نظر گرفته شد و قرار بود به طور معقول و در مواقع خاصی مورد استفاده قرار گیرد در گذر زمان تعداد موافقتنامه‌های ترجیحی به شدت افزایش یافت و در حال حاضر به حال انفجار نزدیک شده است (Sutherland, 2004, para. 73). در واقع به خاطر همان ابهامی که در ماهیت اصل رفتار ویژه و متفاوت وجود دارد و مرزی روشن نمی‌توان در شرایط متفاوت برای آن تبیین کرد این اصل که در نظر طراحان سازمان جهانی تجارت قرار بود به عنوان استثنایی بر اصل عدم تبعیض عمل کند امروز حالت استثنایی خود را از دست داده و به عبارتی جای استثناء و مستثنی عوض شده است.

### تعارض اصل رفتار ویژه و متفاوت با اصل عدم تبعیض

اصل عدم تبعیض شامل رعایت رفتار دولت کامله الوداد و رعایت مقررات مربوط به رفتار ملی است که یکی از اصول زیربنایی سازمان جهانی تجارت است. اصل دولت‌های کامله الوداد قاعده‌ای است که به موجب آن یک دولت تعهدی را در قبال دولت دیگر می‌پذیرد مبنی بر اینکه اگر آن دولت در خلال روابطش با سایر دولتها در مورد خاص توافق شده امتیازی افزون تر از آنچه به آن دولت اعطاء کرده به سایرین اعطا کند این افزایش امتیازات به آن دولت نیز بطور خودکار تسری پیدا کند. ماهیت این تعهد تبدیل روابط دو جانبه به روابط چند جانبه است و حرکتی است از دو جانبه گرایی به سوی چند جانبه گرایی. به موجب اصل رفتار ملی، هر کشور عضو متعهد می‌شود از تولیدات داخلی خود حمایت نکند و از مالیاتها و سایر عوارض داخلی و قوانین و مقررات موثر در خرید و فروش و کیفیت کالاهای داخلی نسبت به محصولات داخلی و خارجی بگونه‌ای استفاده نکند که باعث حمایت از تولیدات داخلی شوند. به عبارتی دولت‌های عضو باید با محصولات وارداتی و داخلی بطور یکسان برخورد کنند. باید توجه داشت محتوای موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت و اهداف کلی آنها نشان از آن دارد که اصل عدم تبعیض یک اصل اساسی و رفتار ویژه و متفاوت استثنایی بر آن است که به عللی که پیشتر بیان شد بطور استثنایی و موقتی قابل اجراست. سیاست‌های ارشادی دولت در اقتصاد مغاير اصل عدم تبعیض است هر چند در بحران دهه ۱۹۳۰ توانست اقتصاد جهان را از حالت بحران خارج سازد اما کارایی آن تنها در همان دوران خاص و رفع بحران مؤثر بود و پس از آن مشخص شد که توسعه تجارت بین‌الملل و ترویج اصل عدم تبعیض باید ابتدا خود را از قید و بند سیاست‌های ارشادی و دستوری دولتها خارج کند و لذا با رفع بحران و

بازگشت به دوره محدود سازی حاکمیت دولت ها در اقتصاد بود که اصل عدم تبعیض دوباره جان گرفت و در موافقتنامه گات جایگاه خاص یافت اما در دهه های بعد وضعیت اقتصاد جهانی و شکاف اقتصادی عظیم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دوباره اصل عدم تبعیض را در تنگنا قرار داد و استثنائات فراوان را پذیرفت به طوری که در اوائل قرن بیست و یکم و پس از گذشت ده سال از تأسیس سازمان جهانی تجارت به گفته پیتر ساترلند مدیر کل سابق گات که نخستین مدیر کل سازمان جهانی تجارت نیز بوده با گذشت پنج دهه از تأسیس گات امروز شرط دولت کامله الوداد دیگر یک قاعده نیست بلکه تقریباً یک استثناست و به خاطر ظهور انبوه اتحادیه های گمرکی، بازارهای مشترک، مناطق تجارت آزاد دو جانبه و منطقه ای، ترجیحات تجاری و انواع مختلف و بی پایان روابط تجاری که به ظرف اسپاگتی مشهور شده مفهوم دولت کامله الوداد را به یک رفتار استثنایی مبدل ساخته است. ایشان به طنز اظهار می دارد که بهتر است از عبارت دولت با کمترین مودت (least-favored nation) به جای دولت کامله الوداد استفاده کرد (Sutherland, 2004, para. 60).

### کارایی اصل رفتار متفاوت و ویژه

اصل رفتار متفاوت و ویژه از لحاظ نظری راهکاری مناسب برای همگرایی و همسو شدن کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه یا با کمترین درجه توسعه یافتگی در مسیر گذار به تجارت بازار آزاد جهانی به نظر می رسد. سازمان جهانی تجارت بر محور صرفاً عمل متقابل یا دو جانبگی صرف (Plain reciprocity) استوار نیست که بر اساس آن هر دولتی به همان مقداری که می دهد دریافت کند بلکه بر مبنای دو جانبگی منعطف (Relaxed or diffuse reciprocity) استوار است که در آن از اعضای ضعیف تر توقعات کمتر دارند (Ethan, 2007, p: 124). لذا اساساً به لحاظ نظری با توجه به ویژگی ها و تفاوت های اعضای سازمان جهانی تجارت رفتار ویژه و متفاوت منطقی، عادلانه و ضروری است. اما اجرای این ایده در عمل دشوار است و در حال حاضر مسئله اصلی و اساسی که اعضاء با آن مواجه هستند این است که چگونه طرحی نوین را در ارتباط با این اصل در اندازند که هم بتواند به توسعه اقتصادی کشورهای با درآمد پایین کمک کند و کشورهای در حال توسعه نیز آن را از این نظر قبول داشته باشند و هم کشورهای توسعه یافته آن را مشروع و مناسب تلقی کنند (هوکن و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶). این اصل به شکلی که فعلاً در مجموعه قواعد سازمان جهانی تجارت لحاظ شده با توجه به ابهامات نظری و معضلات اجرایی از منظر کشورهای در حال توسعه چندان مفید و کارساز نیست. تجربیات سال های گذشته نظام تجاری چند جانبه گات و سازمان جهانی تجارت نشان می دهد. ماهیت اصل مزبور بیشتر آن را به یک نمونه ایده آل تبدیل کرده

تا یک اصل قابل استفاده زیرا غالباً مسئله تشخیص تعارض قواعد با منافع کشورهای در حال توسعه امری دشوار و مجادله انگیز است که موجب عدم توافق بر سر اجرای دقیق این اصل می شود و از طرفی اجرای موازی این اصل و اصل کلیدی عدم تبعیض در عمل بغایت دشوار است. یعنی این دو اصل باید به دقت به حالت تعادل درآورده شوند (Andrew,2006,p:469) که این امری مشکل است. به علاوه کثرت کشورهای در حال توسعه و کشورهای کمتر توسعه یافته در میان اعضای سازمان و استفاده مکرر و متعدد از این اصل آن را از حالت استثنائی بودن خارج ساخته و مشکل آفرین شده است بطوری که مثلاً در گذر زمان تعداد موافقت نامه های ترجیحی به شدت افزایش یافته و در حال حاضر به حال انفجار نزدیک شده است (Sutherland,2004,para.73). اختلاف دیدگاه اعضای سازمان در چگونگی اجرای این اصل نیز از کارایی آن می کاهد و لذا اجرای صحیح و دقیق و عادلانه این اصل در پس پرده معاملات و مواضع سیاسی متفاوت دشوار شده است.

### نتیجه

رفتار متفاوت و ویژه با کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی و در حال توسعه به عنوان یکی از اصول اساسی سازمان جهانی تجارت به رسمیت شناخته شده است. تفاوت کشورهای جهان از نظر سطح توسعه که از واقعیت های جهان معاصر نشات می گیرد و یکی از مباحث مهم و نقطه عطف مناقشات بین المللی به ویژه در ارتباط با مسائل تجارت بین المللی است. این تفاوت سطح توسعه که موجب تفاوت اساسی نیازهای کشورهای با کمترین توسعه یافتگی در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته شده است ادغام آنها در یک نظام تجاری واحد را با دشواری هایی مواجه می سازد. رفتار ویژه و متفاوت نسبت به کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه که در مقررات و قواعد این سازمان تبیین شده تا حدودی می تواند این مشکل را حل کند. اصل رفتار متفاوت و ویژه از لحاظ نظری راهکاری مناسب برای همگرایی و همسو شدن کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه یا با کمترین درجه توسعه یافتگی در مسیر گذار به تجارت بازار آزاد جهانی است اما اجرای این اصل در عمل با معطلاتی روبروست. از جمله ایرادات وارده بر اصل رفتار متفاوت و ویژه ابهام حقوقی محتوای این اصل است زیرا بسیاری از مقررات مربوط به این اصل مبهم و غیر مشخص هستند و لذا به شکل فعلی با توجه به ابهامات نظری و معطلات اجرایی چندان مفید و کارساز نیستند. تجربیات سال های گذشته نظام تجاری چند جانبه گات و سازمان جهانی تجارت نشان می دهد که اصل مزبور بیشتر جنبه نظری دارد و در عمل اجرای آن یا مشکلات فراوان روبروست زیرا تشخیص تعارض قواعد با منافع کشورهای در حال توسعه دشوار و بحث

انگیز است و همین امر موجب می‌شود که توافق بر سر اجرای دقیق این اصل خصوصاً به موازات اجرای اصل کلیدی عدم تبعیض در عمل به غایت دشوار شود. بعلاوه کثرت کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی در میان اعضای سازمان و استفاده مکرر و متعدد از این اصل ماهیت استثنائی بودن آن را تحت الشعاع قرار داده است. اختلاف دیدگاه اعضای سازمان در چگونگی اجرای این اصل و معاملات و مواضع سیاسی آنها نیز مانع مهم دیگری در راه اجرای صحیح و دقیق و عادلانه آن به شمار می‌آید.

## منابع و ماخذ

### الف - فارسی

۱. ابروانی، محمد جواد (۱۳۸۳)، شناخت سازمان تجارت جهانی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۲. بید آباد، بیژن و طبری، فتحیه (۱۳۸۴)، سازمان جهانی تجارت و الحاق ایران، در سایت اینترنتی: <http://www.bidabad.com/doc/wto-Iran-gtml>.
۳. پلانو، جک، سی (۱۳۷۶)، فرهنگ اصطلاحات تخصصی روابط بین‌الملل، ترجمه دکتر پرویز علوی، تهران: موسسه نشر علوم نوین.
۴. دفتر نمایندگی تام الاختیار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۷)، رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه، در سایت اینترنتی: <http://www.irtr.gov.ir/pages/wto-SDT.asp>.
۵. دیجک، پیتووان و فی بر، گریت (۱۳۸۶)، کشورهای در حال توسعه و دستور کار توسعه دوحه در سازمان جهانی تجارت، ترجمه مسعود طارم سری و سیف الله صادقی یارندی، تهران: نشر ثالث.
۶. سنگوپتا، آرجون (۱۳۸۳)، حق توسعه در نظریه و عمل؛ ترجمه منوچهر توسلی جهرمی، مجله حقوقی شماره ۳۰.
۷. فتحی زاده، امیر هوشنگ و بزرگی، وحید (۱۳۸۳)، بایسته‌های الحاق به سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق مالکیت فکری، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۸. کاسسه، آنتونیو، حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد (۱۳۷۰)، ترجمه مرتضی کلاتریان، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
۹. فرانسوا، ژوزف (۱۳۸۶)، دسترسی به بازار و مدل سازی اصلاح تجارت جهانی، یک اظهار نظر؛ در کتاب کشورهای در حال توسعه و دستور کار توسعه دوحه در سازمان جهانی تجارت، ترجمه مسعود طارم سری و سیف الله صادقی یارندی، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، تهران: نشر ثالث.
۱۰. هوکمن، برنارد، میکالوپولوس کنستانتین و ویتترز، ال‌الان (۱۳۸۶)، بهبود اصل رفتار ویژه و متفاوت برای کشورهای در حال توسعه، برخی پیشنهادات؛ در کتاب: کشورهای در حال توسعه و دستور کار توسعه دوحه در سازمان جهانی تجارت، ترجمه مسعود طارم سری و سیف الله صادقی یارندی، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، نشر ثالث.

### ب - خارجی

- 1- Andrew, Mitchell (2006); **A Legal Principle of Special and Differential Treatment for WTO Disputes**; World Trade Review, Vol. 5, no. 3.
- 2- Button, coatherine (2006); **The Power to Protect: Trade, Health and Uncertainty in the WTO**; World Trade Review, Vol. 5, No2.
- 3- Debra, Steger (2007); **The Culture of the WTO: Why Need to Change**; Journal of international Economic Law, vol. 10, No. 3.

- 4- Ethan, Kapstein (2007); **Economic Justice in an Unfair World: Towards a Level Playing Field**; World Trade Review, vol. 6 , No.1 .
- 5- Hoekman, Bernard (2005); **Expanding WTO Membership and Heterogeneous Interests**; World Trade Review, vol. 4, No.3 .
- 6- Kerin, Gallagher (2008); **Understanding Developing Country Resistance to the Dohe Round**; Review of International Political Economy, Vol. 15 , No. 1 .
- 7- Kerry, Chase (2006); **Multilateral Compromised: The Mysterious Origins of GATT Article XXIV**; World Trade Review, Vol.5, No.1 .
- 8-Sevilla,Christina (2007);**Why Liberalize Trade?**; ejournal USA, at: <http://usinfo.State.Gov/Journals/itee/0107/ijee/sevilla.htm>.
- 9- Sutherland , peter, et. al.(2004), **The Future of the WTO**, WTO publications, Geneva .
- 11- WTO ,Understanding the WTO (2007), <http://www.wto.org/English/thewto-e/whatis-e/tif-e/utw-chap1-e.pdf>.
- 12- WTO, **Principles of the Trading System** (2007), <http://www.wto.org/English/thewto-e/whatis-e/tif-e/fact2-e.htm>.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«دستیابی به قوانین مالی اصلاح در چارچوب گاتس: چارچوبی برای همکاری و رقابت در تدوین قوانین ذخیره قانونی بانکها و افشاء اطلاعات در بازار بورس» سال ۱۳۸۵، شماره ۷۴. «حدود آزادی طرفین دعوی در تعیین صلاحیت قضایی بین‌المللی: جایگاه داوری تجاری بین‌المللی» سال ۱۳۸۶، شماره ۳. «همگرایی و رقابت در بازارهای بورس: تعارض حقوق رقابت و حقوق بازار بورس» سال ۱۳۸۷، شماره ۳. «مقایسه نظام حمایتی اسرار تجاری و نظام حق اختراع»، سال ۱۳۸۸، شماره ۱. «مبانی حقوق عمومی حقوق رقابت» (با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، سال ۱۳۸۸، شماره ۳. «در جستجوی مطلوبیت: تحلیلی از قضیه کاوز در تعامل حقوق و اقتصاد» سل ۱۳۸۹، شماره ۱۰۱.